

به نام خدا

مهارت‌های تدریس معلم

مولفان :

سیمین مهزیار
سمیه دهقانی کروکی
زهرا خوش بخت
فاطمه علی زاده
فاطمه کلبادی نژاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: مهارت‌های تدریس معلم / مولفان سیمین مهزیار... [و دیگران].
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۲۱ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۴۶-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: مولفان سیمین مهزیار، سمیه دهقانی کروکی، زهرا خوش‌بخت، فاطمه علی‌زاده،
فاطمه کلبادی‌نژاد.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۸ - ۱۲۱.
موضوع: تدریس اثربخش
Effective teaching
کلاسداری
Classroom management
شناسه افزوده: مهزیار، سیمین، ۱۳۷۳-
رده بندی کنگره: LB۱۰۲۵/۳
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۸۱۰۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مهارت‌های تدریس معلم
مولفان: سیمین مهزیار - سمیه دهقانی کروکی - زهرا خوش‌بخت
فاطمه علی‌زاده - فاطمه کلبادی‌نژاد
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زیرجد
قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۴۶-۰
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

۹.....	الگوی عمومی تدریس
۱۴.....	انواع ارزشیابی
۱۶.....	تئپولوژی معلمان
۲۴.....	مقایسه روش های سنتی و نوین
۳۰.....	معرفی هرم یادگیری
۳۵.....	طرح درس.....
۴۷.....	طراحی آموزشی
۴۹.....	روش مصاحبه
۵۳.....	طبقه‌بندی اهداف عملکردی
۶۰.....	طراحی آموزشی و نقش آن در فرآیند تحصیل و یادگیری دانش آموزان
۶۱.....	ایجاد ارتباط صحیح
۶۶.....	نقش صدا و بیان معلم
۸۲.....	علل لزوم پرسش درس
۸۳.....	مهارت های غیر کلامی معلم
۹۹.....	مهارت در برقراری انضباط
۱۰۴.....	مهارت تشویق و ترغیب
۱۰۸.....	مهارت جمع بندی
۱۱۰.....	مهارت تکلیف شب
۱۱۸.....	منابع

مقدمه

تدریس یکی از عناصر تعیین کننده و بسیار مهم در نظام های آموزشی می باشد که چگونگی انجام آن می تواند بسترساز بسیاری از موفقیت ها و شکست های نظام های آموزشی در ثمربخشی اهداف آموزشی و درسی باشد. در تایید اهمیت امر تدریس همین بس که به زعم بسیاری از صاحب نظران، تدریس معادل آموزش و پرورش و قلب برنامه های درسی در نظام های آموزشی است. به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات، اتخاذ می کند، روش تدریس می گویند. روش های تدریس، شیوه کار معلم را در کلاس شکل می دهند و فرصت های مناسب را برای یادگیری دانش آموزان فراهم می کنند. مهم ترین وظیفه معلم ایجاد شرایط یادگیری است. برای مشخص کردن شرایط یادگیری، شناخت انواع روش ها و کاربرد آن ها برای اهداف متنوع آموزشی لازم و ضروری است. آگاهی معلم از نحوه یادگیری دانش آموزان و کارکرد مغز آن ها نقش مهمی در ارتباط موثر بین معلم و دانش آموز دارد. روش های سنتی و متداول تدریس قادر به هدایت افراد به سوی یک تحول عمیق نخواهد بود بدیهی است چنانچه معلمانی کارآمد الگوی دانش آموزان باشند، راه پیشرفت و ترقی هموارتری فراروی آنان خواهد بود. فرایند تدریس، مجموعه اعمالی است سنجیده، منطقی و پیوسته که به منظور ارائه درس از طرف معلم صورت می گیرد توانی هایی که معلم برای اجرای این اعمال کسب می کند، مهارت های تدریس نامیده می شوند تدریس کارآمد و موثر یکی از شاخص های آموزش و پرورش پویا می باشد. معلمان در کلاس های درسی جهت تدریس و آموزش مطالب و محتوای کتاب های درسی از روش ها و شیوه های خاصی استفاده می کنند. این روش ها در کل به دو دسته روش های سنتی نظیر سخنرانی و.... و روش های نوین نظیر بحث گروهی، حل مسأله، اکتشافی، یادگیری در حد تسلط و.... طبقه بندی می شوند. هر کدام به شیوه ی خاص خود وبا توجه به موضوعات درسی به کاربرده می شوند. و معلمان موفق هستند که شاگردان خود مطالب شناختی و اجتماعی را به خوبی عرضه می دارند و نحوه ی کارگیری موثر از آنها را می آموزند معلمانی تدریس اثر بخش دارند که به گونه ای مناسب، اهدافی را که مستقیم یا غیر مستقیم با یادگیری دانش آموزان مرتبط است، دنبال می کنند. و جهت دست یابی به اهداف آموزشی دانش و مهارت های مورد نیاز را به

دست می آورند تا بتوانند از آن ها در زمان مناسب به شیوه ی مطلوب مورد انتظار به کارگیرند. معلم برای یک تدریس خوب ، خود از یک طرف باید از نظر جسمی ، روحی و روانی و علمی آمادگی داشته باشند و از طرف دیگر مقدمات لازم برای تدریس اثر بخش را با آماده کردن شاگردان و فضای کلاس فراهم کند تا از این طریق کلاس درس به نحو مطلوبی اداره شود. فرایند یاددهی و یادگیری که توسط معلم اجرا می شود بر فعالیت هایی مبتنی است که صاحب نظران آنها را در سه طبقه کلی تقسیم بندی نموده اند:

الف) فعالیت های قبل از تدریس،

ب) فعالیت های ضمن تدریس

ج) فعالیت های بعد از تدریس

و به منظور اثربخشی این فرایند بر انجام دقیق و درست هر کدام از فعالیت ها تأکید بسیار دارند .

فعالیت های قبل از تدریس:

فعالیت هایی که کاربردی هستند و نشان دهنده چگونگی انجام عمل با صراحت، ظرافت و دقت هرچه بیشتر به وسیله معلم می باشند، به مهارت های قبل از تدریس هم معروف اند . فعالیت هایی که در این مرحله باید به وسیله معلم سازمان داده شوند شامل هدف گذاری ، طبقه بندی و تحلیل این اهداف در حیطه های یادگیری، تحلیل آموزشی، تعیین محتوا، روش و وسیله و در نهایت تحلیل نظام ارزشیابی و کاربرد طراحی آموزشی است. عمده ترین مؤلفه در این قسمت، هدف و چگونگی تحقق بخشیدن به آن است. بدیهی است اگر هدف های مورد نظر در این جا به درستی و صراحت تحلیل و اولویت بندی نشوند، امکان حرکت و فعالیت درست و در نهایت تحقق هدف های آموزشی غیرممکن خواهد بود. از طرفی بی توجه به هدف، مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل ، محتوا و روش های آموزشی در دسترس معلم نخواهد بود. از این جهت، عنایت به این مهارت ها و فعالیت ها و سازمان دادن آنها به وسیله معلم موجب معنادار بودن تدریس او و سهولت امر یادگیری در دانش آموزان خواهد شد

فعالیت های ضمن تدریس: این بخش به فعالیت هایی که معلم باید در ضمن تدریس به کار بگیرد، مربوط می شود. مهارت های ضمن تدریس عبارتند از: اجرای آزمون رفتار ورودی، برقراری ارتباط، تمرکز بخشی، آماده سازی، ارائه درس جدید، جمع بندی و برقراری انضباط در کلاس. هر کدام از این مفاهیم جایگاه خاصی در فرایند یاددهی - یادگیری داشته و آگاهی معلم از آنها کاملاً " لازم و ضروری است. عمده ترین مسأله و مهم ترین مهارت ضمن تدریس، برقراری ارتباط صحیح بین معلم و شاگردان است. چنان چه این ارتباط به خوبی برقرار شود، هدف های آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می یابند. برقراری ارتباط، دارای اصول و فنونی شناخته شده ای است که آشنایی با آنها برای معلمان ضرورت دارد. عواملی وجود دارند که در امر تدریس معلم، اختلال ایجاد می کنند. از این رو یکی از وظایف مهم معلم این است که عوامل مخل را، با مهارت های درست برطرف سازد. فنونی که برای جلب توجه شاگردان و تمرکز بخشیدن به حواس به کار می روند عبارتند از: دارا بودن معلم از فن بیان بالا، حرکت کردن در کلاس، جلب توجه کردن از طریق کلام و غیر کلام، ایجاد تنوع در برقراری رابطه بین افراد کلاس، سکوت کردن معلم به طور لحظه ای و به کار گیری حواس مختلف شاگردان. یکی از مهارت های معلم که ضمن تدریس انجام می دهد جمع بندی مطالب می باشد. جمع بندی عبارت است از اعمال و یا گفتار معلم که به وسیله او طراحی می شوند، تا ارائه مطلب درسی جدید را به نتیجه و پایانی مناسب برساند. فعالیت هایی که در قسمت جمع بندی می توان به کار برد عبارتند از: پیوند دادن یک مرحله از یادگیری به مراحل دیگر یادگیری، پایان دادن به یک واحد کاری طولانی یا کوتاه و پایان دادن به انواع فعالیت های درسی.

مهارت های پس از تدریس: در این بخش معلم با مفاهیمی که پس از تدریس به کار می رود، همچون امتحان، آزمون، ارزشیابی، هدف ها مربوط می شود. اهمیت و ضرورت ارزشیابی برای اینکه فهمیده شود که آیا شاگردان، با کسب تجارب و انجام دادن فعالیت های تعیین شده، به هدف های آموزشی رسیده اند یا نه، ارزشیابی مستمر از فرایند تدریس، امری ضروری است؛ نحوه ارزشیابی باید بر اساس نوع هدف، شرایط و فعالیت های انجام شده تعیین شود؛ اما در بسیاری از نظام های آموزشی ناسالم، نحوه ارزشیابی، هدف ها و

به ویژه فعالیت های آموزشی را تحت تأثیر قرار می دهد، و در نتیجه، ارزشیابی که باید ملاک رسیدن یا نرسیدن به هدف های آموزشی باشد، جای هدف های آموزشی را می گیرد.

الگوی عمومی تدریس

هر معلم از لحظه‌ای که به فکر آماده شدن برای آموزش یک درس می‌افتد و شروع به تهیه مقدمات کار می‌کند، تا زمانی که عملاً در کلاس به تدریس مطالب می‌پردازد، سرانجام، وقتی که در پایان کار به ارزشیابی از میزان آموخته‌های دانش‌آموزان خود اقدام می‌کند، فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهد که مراحل کلی آن، الگوی عمومی آموزش نام دارد. الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. الگوی عمومی آموزش را می‌توان برای طرح‌ریزی مراحل مختلف فعالیت‌های آموزشی در تمام سطوح تحصیلی، از ابتدایی تا دانشگاه و در همه موضوع‌های درسی، از زبان گرفته تا علوم، هنر، ریاضی و ... به کار بست؛ به همین دلیل این الگو را عمومی نامیده‌اند. انتخاب یک الگوی تدریس، بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرش‌های تعلیم و تربیت خواهد داشت تدریس یک فرآیند است و فعالیتی است که در داخل یک الگو صورت می‌پذیرد.

معروف‌ترین الگو برای تدریس، الگوی عمومی تدریس است، این الگو نخستین بار توسط رابرت گلیزر در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و بعدها اشخاص دیگری از جمله راجر رابینسون در سال ۱۹۷۱، تغییراتی در آن به وجود آوردند. این الگو در عین سادگی فرایند تدریس را به خوبی توصیف می‌کند و به معلم در سازمان دادن فرایند تدریس کمک می‌کند. الگوی عمومی آموزش، معرف فعالیت‌های اصلی معلم در تدارک و کاربست فعالیت‌های آموزشی است. این الگو شامل چهار مرحله زیر است:

مرحله اول: فعالیت‌های پیش از عمل آموزش

در این مرحله، معلم ابتدا به تعیین مقاصد درس خود، یعنی هدف‌های آموزشی می‌پردازد و آنها را به‌طور دقیق و روشن، یعنی در قالب عبارات و جملاتی که گویای رفتار قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری یادگیرنده باشد، درمی‌آورد. به این‌گونه بیانات روشن هدف‌های آموزشی، هدف‌های رفتاری می‌گویند. معلم برای اینکه بتواند هدف‌های آموزشی متنوعی

برای درس‌های خود تهیه کند، لازم است از طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی، که در آنها سطوح مختلف هدف‌های آموزشی و انواع یادگیری معرفی شده‌اند، استفاده کند. بعد از تهیه هدف‌های آموزشی درس، نوبت می‌رسد به تعیین آمادگی یا ویژگی‌هایی از یادگیرندگان که برای یادگیری هدف‌های آموزشی آن درس، پیش‌نیاز به حساب می‌آیند. به این بیانات ویژگی‌های ورودی، رفتارهای ورودی می‌گویند. پس از تعیین رفتارهای ورودی پیش‌نیاز برای یادگیری هدف‌های آموزشی، معلم باید از طریق اجرای یک ارزشیابی مقدماتی که سنجش آغازین نام دارد، معین کند که آیا دانش‌آموزان بر این پیش‌نیازها تسلط کافی دارند یا اینکه، پیش از آموزش هدف‌های تازه، باید آنها را برای یادگیری مطالب جدید آماده سازد. چنانکه معلوم شود که همه یا تعدادی از یادگیرندگان در بعضی از رفتارهای ورودی کم و کسرهایی دارند، معلم باید از طریق "آموزش ترمیمی" به رفع این کاستی‌ها بپردازد.

می‌توان گفت تعیین هدف‌های تربیتی و شناخت ویژگی‌های شاگردان از ضروری‌ترین مسائل در فعالیت‌های پیش از عمل آموزش است. فکر طبقه‌بندی هدف‌های تربیتی برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ مطرح گردید و گروهی از متخصصان تعلیم و تربیت و سنجش و اندازه‌گیری، طبقه‌بندی‌های مختلفی از هدف‌های تربیتی ارائه نمودند که معروف‌ترین آنها طبقه‌بندی بنیامین بلوم و همکاران اوست. در طبقه‌بندی بلوم، هدف‌های آموزشی در سه حیطه مختلف شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی قرار می‌گیرند.

الف) حیطه شناختی

حوزه شناختی، دانش، معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را دربرمی‌گیرد. به سخن دیگر، هدف‌های حوزه شناختی به جریان‌هایی که با فعالیت‌های ذهنی و فکری سروکار دارند، مربوط می‌شود. در این حیطه، هدف‌ها از ساده‌ترین سطح شناخت به پیچیده‌ترین و از امور ذاتی محسوس به امور معنوی و غیرمحسوس تنظیم شده است. هدف‌های یادگیری در حیطه شناختی براساس طبقه‌بندی بلوم، شامل شش سطح زیر است:

دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی و قضاوت. این طبقه‌بندی از ساده‌ترین سطح شناخت (یادآوری) شروع شده و به پیچیده‌ترین شکل آن (ارزشیابی و

قضات) پایان می‌یابد. ترتیب هدف‌ها به گونه‌ای است که هدف‌های هر طبقه شامل بخشی از رفتارهای پایین‌تر و مبتنی بر آن رفتارهاست. به عبارت دیگر، برای رسیدن به هر سطحی از رشد فکری، ضروری است که مراحل پیشین طی شده باشد.

ب) حیطه عاطفی

حوزه عاطفی، با علاقه، انگیزش، قدردانی و ارزش‌گذاری سروکار دارد و شامل پنج طبقه اصلی: دریافت کردن (توجه کردن)، پاسخ دادن، ارزش‌گذاران، سازمان دادن ارزش‌ها و شخصیت پذیرفتن (تبلور ارزش‌های سازمان‌یافته در شخصیت) می‌باشد.

ج) حیطه روانی - حرکتی

حوزه روانی - حرکتی، به زمینه مهارت‌های حرکتی یا فعالیت‌های بدنی ارتباط دارد. یادگیری و هدف‌های آموزشی در حیطه روانی - حرکتی آمیخته با یادگیری در حیطه شناختی و عاطفی بوده و قابل تفکیک از آن نیست. برای کسب مهارت‌های عملی تا سطح تسلط، به گذراندن پنج مرحله نیاز خواهد بود، که عبارتند از: مشاهده و تقلید، اجرای عمل بدون کمک، دقت در عمل، هماهنگی حرکات و عادی شدن عمل.

مرحله دوم: فعالیت‌های پیش از عمل آموزش و ضمن آموزش

هر یک از هدف‌های آموزشی معلم، معرف نوع به‌خصوصی از انواع یادگیری است. بنابراین، معلم باید در تمام مراحل تهیه طرح آموزشی خود و اجرای آن، به روان‌شناسی یادگیری مراجعه کند تا از انواع، شرایط، قوانین و نظریه‌های یادگیری، اطلاع حاصل نموده و آنها را در بهبود فعالیت‌های آموزشی خود مورد استفاده قرار دهد. علاوه بر اطلاعات مربوط به روان‌شناسی یادگیری، آگاهی از دانش روان‌شناسی انگیزش و تأثیر عوامل انگیزشی مختلف بر یادگیری نیز معلم را در فعالیت‌های آموزشی یاری می‌دهد. انگیزش و فرایند یادگیری از جمله مسایل فعالیت‌های ضمن آموزش محسوب می‌شوند.

الف) انگیزش

از انگیزش تعاریف مختلفی ارائه نموده‌اند و عقاید متفاوتی در مورد آن ابراز شده است. مثلاً فریمایر می‌گوید: انگیزش، چیزی است که به رفتار انسان هم جهت می‌دهد و هم شدت. بعضی‌ها انگیزش را یک حالت آگاه و یا ناآگاه نیاز یا سائقه دانسته‌اند که منتج به

بعضی رفتارها می‌شود. ولی علیرغم تعاریف مختلف، روان‌شناسان در این نکته متفق‌اند که انگیزش، عاملی درونی است که رفتار شخص را تحریک می‌کند و در جهت معین سوق می‌دهد و آن را هماهنگ می‌سازد. انگیزش، عامل بسیار مهمی در جهت پیشرفت و یادگیری دانش‌آموزان است.

ب) یادگیری

می‌توان گفت جامع‌ترین تعریف برای یادگیری عبارت است از: تغییرات جزئی یا پیچیده در رفتار بالقوه و یا در شناخت موجود زنده به گونه‌ای که این تغییر نسبتاً دائمی بوده و بر اثر تجربه به وجود آمده باشد. شیوه‌های یادگیری شاگردان با یکدیگر متفاوت است و این امر در نظریه‌های مختلف یادگیری مورد توجه قرار گرفته است.

مرحله سوم: فعالیت‌های ضمن عمل آموزش

به منظور آموزش هدف‌های مختلف درس به یادگیرندگان، معلم باید روش‌های مناسب آنها را به کار بندد، یعنی بنا به اقتضای هدف‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان، از فنون و روش‌های مختلف آموزشی، استفاده نماید. معلم می‌تواند با استفاده از روش‌های مناسب آموزشی برای آموزش هدف‌های گوناگون اقدام نماید. در این مرحله، معلم باید شیوه‌ها و وسایل تدریس خود را با توجه به مفاهیم درس و شرایط و امکانات و ویژگی‌های فراگیران انتخاب کند. او می‌تواند با آگاهی از شرایط و موقعیت آموزشی، یکی از روش‌های قدیمی و سنتی مانند سخنرانی، آزمایشی یا روش‌های جدید آموزشی مانند روش‌های فعال یا آموزش انفرادی را برای تحقق هدف‌های آموزشی انتخاب کند.

مرحله چهارم: فعالیت‌های ضمن عمل آموزش و پس از آموزش

درفریند آموزشی، تنها انتخاب محتوا، روش و وسیله کافی نیست. معلم باید بتواند از مجموع امکانات به نحو‌سایسته استفاده کند. او نخست باید خود را برای تدریس آماده کند و سپس به آماده کردن کلاس و محیط آموزشی بپردازد. او باید تجارب لازم را برای فعالیتهای آموزشی کسب کند و فراگیران را برای کسب چنین تجاربی هدایت نماید. در هر صورت، او باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، در امر تدریس و تحقق هدف‌های آموزشی، حداکثر استفاده را از امکانات موجود ببرد و با به‌کارگیری درست الگوی آموزشی

مورد بحث، استفاده از وسایل و روش‌های مختلف سنجش و ارزشیابی را ایجاب کند. معلم باید در پایان هر واحد آموزشی یا واحد یادگیری با اجرای آزمونی که هدف‌های آن واحد یادگیری را به دقت اندازه گیرد و میزان یادگیری دانش‌آموزان را تعیین نماید. علاوه بر اجرای آزمون، معلم باید در پایان هر واحد یادگیری به سنجش عملکرد یادگیرندگان در فعالیت‌های مختلف مانند انجام پروژه‌های کار عملی، نوشتن گزارش‌ها و مقاله‌های تحقیقی، انجام کارهای آزمایشگاهی و ... اقدام نماید، تا ارزشیابی کامل‌تری از یادگیری آنان به عمل آورد.

در مرحله ارزشیابی، معلم نه تنها به ارزشیابی معمول در مدارس اقدام می‌کند، بلکه علاوه بر انجام دادن امتحانات مرسوم، عملکرد شاگردان در موقعیت‌های متعدد، مانند انجام دادن طرح، شرکت در فعالیتهای آموزشی و تحقیق و تتبع در زمینه مفاهیم آموخته شده ارزیابی می‌کند و براساس اطلاعات به دست آمده، به ارزشیابی میزان اثر تدریس خود و یادگیری شاگردان می‌پردازد و در صورت عدم موفقیت، با توجه به نتایج ارزشیابی، به مراحل قبلی الگو را ترمیم و اصلاح می‌کند. بنابراین ارزشیابی عبارت است از: سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصله با اهداف از پیش تعیین شده.

انواع ارزشیابی

ارزشیابی فرایند آموزشی را با توجه به زمان ارزشیابی و هدف آنها می‌توان به سه دسته: ارزشیابی تشخیصی، ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی تراکمی (پایانی) تقسیم کرد.

ارزشیابی تشخیصی

این ارزشیابی، آموخته‌های پایه و یا رفتارهای ورودی شاگردان را که لازمه یادگیری مطالب جدید است، می‌سنجد و عملی است برای قضاوت درباره میزان آمادگی شاگردان برای شروع مرحله جدید آموزشی. به این ارزشیابی، سنجش آغازین نیز می‌گویند.

ارزشیابی تکوینی

ارزشیابی تکوینی، به منظور کسب اطلاع از نحوه یادگیری فراگیران و تعیین نقاط ضعف و قوت آنان انجام می‌گیرد و معلم را در تشخیص مشکلات روش آموزشی در رابطه با اهداف آموزشی یاری می‌دهد و همان‌طور که از نام آن پیداست، زمانی صورت می‌گیرد که یادگیری هنوز در حال شکل‌گیری و تکوین است. با استفاده از این روش ارزشیابی، معلم می‌تواند زمانی که هنوز یادگیری در جریان است و امکان رفع مشکلات یادگیری و برطرف کردن نواقص روش آموزشی میسر است، به انجام چنین کاری اقدام کند. به این نوع ارزشیابی، ارزشیابی مرحله‌ای نیز می‌گویند.

ارزشیابی تراکمی

این نوع ارزشیابی، ویژه عملکردها یا اهداف نهایی است، به این دلیل به آن تراکمی گویند که با استفاده از آن می‌توان یادگیری‌های متراکم فراگیران را در طول دوره آموزشی یا پایان آن اندازه‌گیری کرد. این آزمون‌ها جامع و مفصل هستند و این آزمون‌ها نمونه کاملی از محتوای دروس و هدف‌های آموزشی را دربرمی‌گیرند و از نتایج این ارزشیابی می‌توان برای تصمیم‌گیری‌های پرورشی و اعزام به دوره‌های عالی‌تر و ارائه امتیازهای تحصیلی استفاده کرد.

بنابراین می‌توان فعالیت‌های آموزشی معلم را در قالب طرح الگوی عمومی آموزش در چهار مرحله زیر خلاصه کرد:

فعالیت‌های پیش از عمل آموزش (تعیین هدف‌های آموزشی و رفتارهای ورودی و انجام سنجش آغازین).

فعالیت‌های پیش از عمل آموزش و ضمن آن (توجه به فرایندهای انگیزش و یادگیری).

فعالیت‌های ضمن عمل آموزش (استفاده از روش‌های آموزشی مناسب).

فعالیت‌های ضمن عمل آموزش و پس از آن (سنجش و ارزشیابی از فعالیت‌های انجام شده).